

مقایسه باورهای غیرمنطقی، مهارت های ارتباطی و سازگاری زناشویی در سه نسل از زنان تهرانی

سوگل گیتی^۱، مرجان جعفری روشن^{۲*}

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف مقایسه باورهای غیرمنطقی، مهارت های ارتباطی و سازگاری زناشویی در سه نسل از زنان تهرانی انجام شد.

روش: جامعه آماری پژوهش حاضر شامل زنان متاهل ۲۱ تا ۶۵ ساله شهر تهران در سه نسل ۲۱-۳۵ ساله، ۳۶-۵۰ ساله و ۵۱-۶۵ ساله و در نمونه ای به حجم ۹۱ نفر که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند، اجرا شد. برای جمع آوری اطلاعات از سه پرسشنامه استاندارد باورهای غیر منطقی جونز (۱۹۸۶)، مهارت های ارتباطی جرابک (۲۰۰۴)، و سازگاری زناشویی اسپانیر (۱۹۷۸)، با اعتبار و روایی مناسب استفاده شد. پس از جمع آوری پرسشنامه ها، داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS، در سطح توصیفی از شاخص های فراوانی، شاخص های گرایش مرکزی، شاخص های پراکندگی و نمودار؛ و در سطح استنباطی نیز ضمن بررسی مفروضه های مورد نیاز، از تحلیل واریانس یکراهه و آزمون تعقیبی توکی و تحلیل رگرسیون چند متغیره بهره گرفته شد.

یافته ها: یافته ها نشان داد که از بین مولفه های باورهای غیر منطقی، مولفه بی مسئولیتی عاطفی، گروه زنان ۶۵-۵۱ ساله (نسل سوم) در مقایسه با زنان ۳۵-۲۱ ساله (نسل اول) نمره ی بیشتری را کسب نمودند. در مهارت های ارتباطی، مولفه ی اداره ی سرد تعاملات هیجان آمیز گروه زنان ۶۵-۵۱ ساله در مقایسه با زنان ۳۵-۲۱ ساله نمرات کمتری را کسب کردند. در سازگاری زناشویی، نمرات کل سازگاری نسل سوم نسبت به دو نسل دیگر کمتر و نمره نسل دوم نسبت به نسل اول هم همچنین بود.

نتیجه گیری: با بالا رفتن مدت زندگی مشترک، باورهای غیرمنطقی افزایش یافته است و مهارت های ارتباطی کاهش می یابد و سازگاری زناشویی کاهش می یابد.

واژه های کلیدی: باورهای غیرمنطقی، سازگاری زناشویی، مهارت های ارتباطی

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد روان شناسی شخصیت دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

۲- عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول) jafary.marjan@gmail.com

مقدمه

ازدواج یک مؤلفه بسیار مهم و با ارزش در حیات انسان تلقی می گردد. به واسطه ازدواج زن و مرد از طریق یک نیروی ناشی از غرایز، آیین محبت و عشق به هم جذب می شوند، به طور آزادانه و کامل متعهد یکدیگر شده تا واحد پویایی را به عنوان خانواده ایجاد نمایند (احمدی و همکاران، ۱۳۸۴).

مشکلات ارتباطی امروزه بعنوان یکی از مهمترین موضوعات در زمینه موضوعات رضایت زناشویی مطرح می شود (جعفری، ۱۳۸۶). در این باره (کارلسون به نقل از ناصحی و همکاران، ۱۳۸۰) براین باوراست که چون چشم داشت ها و شیوهی نگرش افراد با بالا رفتن سن دگرگون می شوند و از آن جایی که بسیاری از بیماریها و اختلالات روانی ناشی از باورهای غیر منطقی، یک عامل شناخته شده در بروز اختلاف های زناشویی است و طبق مطالعات برنشتاین و برنشتاین (۲۰۰۰) که نشان داد بسیاری از همسران در برقراری و حفظ روابط دوستانه و صمیمی با یکدیگر دچار مشکل هستند چون انتظار دارند از ازدواج به گونه ی کلی، و از همسران به گونه ی اختصاصی منافع بدست آورند و اینکه بین ۸۵ تا ۹۱ درصد از افرادی که در آستانه ی طلاق قرار دارند در ابتدای روابط زناشویی عقاید مثبت و پیش بینی های غیر واقع بینانه و غیرمنطقی از رابطه زناشویی داشته و بر این باور بودند که احتمال طلاق برای آنها صفر است (پور تجربی و همکاران، ۱۳۹۳).

مفهوم نسل به گروهی از همسالان اطلاق می گردد که تجربه جمعی آنان به وسیله یک حادثه یا حوادث تاریخی مهمی شکل گرفته باشد (آبرکامبی و استفان، ۲۰۰۰). طبق این تعریف مفهوم نسل بر تعداد سال مشخص و تعیین شده ای دلالت نمی کند. درباره اختلاف میان دو نسل مفاهیمی چون فاصله نسلی، شکاف نسلی، گسست نسلی و گذر نسل به کار می رود. مفهوم شکاف نسلی را به عنوان اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمند تعریف کرده اند (مک لین، ترجمه احمدی، ۱۳۸۷). در تعریفی دیگر می بینیم « شکاف نسلی به معنی وجود تفاوت های دانشی، گرایشی و رفتاری مابین دو نسل با وجود پیوستگی های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. فرزندان در مقایسه با افراد پیر و میانسال با وجود این که در یک فضای فرهنگی زندگی می کنند، اطلاعات، گرایش ها و رفتارهای متفاوت دارند (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۶).

یکی از متغیرهای روان شناختی که به نظر می رسد با گذر نسل تغییر می کند، باورهای غیرمنطقی است. هر فرد مجموعه ای از تفکرات عمومی دارد که عقاید مرکزی یا باورهای بنیادی خوانده می شوند. معمولاً این باورها نیمه آگاهانه هستند و آشکار می کنند که هر فرد چگونه نسبت به زندگی واکنش نشان می دهد. زمانی که یک واقعه رشته افکار را فعال می کند آنچه که شخص آگاهانه فکر می کند بستگی به باورهای بنیادی دارد که به صورت نیمه آگاه در مورد آن واقعه به کار می افتد و اینکه حقایق خاصی برای افراد دارای مفهوم می شود به باورهای فرد بستگی دارد که می تواند منطقی و یا غیرمنطقی باشد (فیاض و کیانی، ۱۳۸۷). مطابق با مدل شناختی^۱ افکار غیرمنطقی^۲ و تحریف های شناختی^۳ عوامل مهم در ایجاد و تداوم رفتارهای

1 cognitive model

2 irrational beliefs

3 cognitive distortion

پاتولوژیک هستند. اخیراً ادبیات پژوهشی در این حوزه اختصاصی تر شده و معطوف به باورهای ناکارآمد در مورد رابطه^۱ شده است (آدیس و بمارد، ۲۰۰۲ و استاچرت و بوریسک، ۲۰۰۳).

یکی دیگر از متغیرهای روان شناختی که به نظر می رسد با گذر نسل دستخوش تغییر می شود، مهارت های ارتباطی است. مهارت های ارتباطی، توانایی اختصاصی به شمار می آیند. این مهارت ها برای ایجاد رابطه ضروری هستند، به طوری که انسان می تواند با استفاده از آنها در زمان انتقال پیام به شخص دیگر (یعنی همسر به همسر)، به شکلی کامل و کافی عمل کند (قهساره و همکاران، ۱۳۸۷). مهارت های ارتباطی مجموعه ای از توانایی هایی است که زمینه سازگاری و رفتار مثبت و مفید را فراهم می آورد و فرد را قادر می سازد بصورت شایسته رفتار کند برنامه ی مهارت های ارتباطی زوجین شامل مهارت های صحبت کردن گوش دادن، حل تعارض و روابط بین فردی است که منجر به روابط رضایت بخش و حمایت گر و پایدار می شود (افروز و همکاران ۱۳۹۴). این مهارت ها شامل مراحل مختلفی است. توانایی گوش دادن فعالانه به عنوان یک مهارت اساسی در روابط فردی همواره مورد توجه است. مهارت نوعی از مشارکت فعال در یک گفت و شنود است. مهارت و نظم دهی به هیجان ها مولفه دیگری از مهارت های ارتباطی است که براساس آن فرد دارای توانایی در ابراز احساس ها و مهار آنها و نیز کنار آمدن با هیجان ها و عواطف دیگران است. توانایی دریافت و ارسال پیام های واضح ارتباطی به عنوان یکی دیگر از مولفه های مربوط به مهارت های ارتباطی است که در آن نه تنها دریافت و ارسال پیام را شامل میشود بلکه شامل توانایی کشف معنای حقیقی پیام های کلامی و غیرکلامی در ارتباط اجتماعی نیز می باشد. علاوه بر موارد ذکر شده قاطعیت یا فعال بودن در ارتباط نیز از دیگر مهارت های ارتباطی است. این مهارت ناظر بر توانایی ابراز عقاید و احساسهای خاصی است که علیرغم معقول بودن گاهی با هنجارهای گروه همخوانی ندارد. توانایی دفاع از عقاید و نظرات خود و پافشاری بر دیدگاههای منطقی و معقول خویش را می توان از جمله مقوله های ارتباطی دانست (حسینیچاری و دلاورپور، ۱۳۸۵).

یکی دیگر از متغیرهای روان شناختی که به نظر می رسد تحت تاثیر گذر نسل می باشد، سازگاری زناشویی است. در سال های اخیر کوشش های بسیاری صورت گرفته تا ثبات و کیفیت روابط زناشویی را با استفاده از مفاهیمی چون سازگاری زناشویی، موفقیت، رضایت، ثبات، خوشبختی، توافق و مفاهیمی شبیه این واژه ها ارزیابی کنند (خطیبی، ۱۳۹۵). جعفری روشن (۱۳۹۴) در کتاب مسایل اجتماعی آسیب زا با نگاهی به پیشگیری محله مدار خود عنوان می کند رضایت زناشویی و دیگر واژه ها یک حالت و یا یک حس درونی فردی است ولی سازگاری زناشویی از تعامل کارآمد زوجین حکایت می کند که این سازگاری در بسیاری از مواقع می تواند حس رضایت زناشویی را نیز به همراه بیاورد در واقع رضایت زناشویی می تواند ثمره ی سازگاری زناشویی باشد. وی سازگاری زناشویی را با دیدگاه سیستمیک محیط شناسانه، وضعیتی فرایند گونه می داند که در آن زوجین یکدیگر را درک کرده، می پذیرند و در یک چهارچوب فرهنگی مورد توافق به نیازهای (جنسی، عاطفی و ...) یکدیگر توجه کرده و به رفع آن در حد تعادل اقدام می کنند و به طور کلی، از رابطه ی خود احساس رضایت و خوشبختی می کنند. برنشتاین آدر کتاب زناشویی درمانی از دیدگاه رفتاری ارتباطی بیان میکند که مکانیسم های شناختی بر سازگاری و رضایت زناشویی تاثیر می گذارند. وی سه عامل اجتماعی (تغییرات سریع و پیاپی زندگی روزانه، ارزشها،

1 beliefs about relationships

2 Barnstein

رسم ها و باورها)؛ شخصی (برداشت های نادرست و انتظارات غیر واقع بینانه و ...) و عامل ارتباطی را در بروز ناسازگاری موثر می‌داند. فرآیندی که با پیامدهایی چون دشواری در درک تفاوت های جنسی، اضطراب شخصی و بین فردی، رضایتمندی زناشویی، همبستگی و توافق کلی دوتایی هم آیند است، تعریف سازگاری از نگاه اسپانیر است که می تواند بطور کامل بر کیفیت زندگی تاثیر بگذارد. سازگاری زناشویی جایگاه برجسته ای را در مطالعه ارتباطات خانوادگی و زناشویی به خود اختصاص داده است (اسپانیر به نقل از مختار عارفی، ۱۳۹۴).

با توجه به این که خانواده و منظومه ی زن و شوهری بعنوان یک کل و نظام در نظر گرفته می‌شود و روابط همه ی اعضای آن بر یکدیگر تاثیر گذاشته و از هم تاثیر می پذیرند در این راستا این سوال به ذهن خطور می‌کند که آیا گذر زمان در تبیین سازگاری زناشویی، باورهای غیر منطقی و مهارتهای ارتباطی اثرگذار است؟ تاکنون تحقیق یافت نشده است که تاثیر گذر زمان بر این سه متغیر را به طور همزمان بررسی کرده باشد لذا محقق را بر آن داشته که باورهای غیر منطقی، مهارتهای ارتباطی و سازگاری زناشویی زنان شهر تهران را در سه نسل مورد بررسی قرار داده تا شاید از این رهگذر بتوان گامی مفید در جهت بهبود روابط زوجین برداشت و شاهد کاهش آمار طلاق بود. بر این اساس مسئله اساسی در پژوهش حاضر این است که آیا بین باورهای غیر منطقی، مهارت های ارتباطی و سازگاری زناشویی بین سه نسل از زنان تهران، تفاوت وجود دارد؟

روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش های علی مقایسه‌ای (پس رویدادی) محسوب می‌شود. کرلینجر معتقد است که تحقیق پس رویدادی عبارتست از مطالعه عینی و منظمی که در آن پژوهشگر کنترل مستقیم بر متغیرهای مستقل ندارد (دلاور، ۱۳۹۴). جامعه آماری شامل کلیه زنان متأهل شهر تهران است که در سه گروه سنی ۳۵-۲۱ سال، ۵۰-۳۶ سال؛ و ۶۵-۵۱ سال هستند. نمونه آماری نیز شامل ۹۱ نفر به روش نمونه گیری در دسترس است به گونه ای که زنان مطلقه و زنانی که به هر دلیلی زندگی مشترک ندارند، از این نمونه خارج شده اند. برای گردآوری اطلاعات لازم، از سه پرسشنامه استاندارد باورهای غیر منطقی جونز (۱۹۸۶)، مهارتهای ارتباطی جرابک (۲۰۰۴)، و سازگاری زناشویی اسپانیر (۱۹۷۸)، با اعتبار و روایی مناسب استفاده شده است.

الف) پرسشنامه باورهای غیرمنطقی جونز (۱۹۸۶): این آزمون در سال ۱۹۸۶ توسط جونز تهیه شده و دارای ۱۰۰ سوال و ۱۰ خرده مقیاس است که عبارتند از: (۱) نیاز به تایید دیگران (۲) انتظار بالا از خود (۳) تمایل به سرزنش (۴) واکنش نسبت به ناکامی (۵) بی مسولیتی هیجانی (۶) گرانی زیاد توام با اضطراب (۷) اجتناب از مشکل (۸) وابستگی (۹) درماندگی نسبت به تغییر (۱۰) کمال گرایی. اعتبار تست توسط تقی پور (۱۳۷۳)، به نقل از ساعتچی و همکاران، (۱۳۸۹) از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۱ گزارش شد. همچنین کامکاری و عسکریان (۱۳۸۳)، به نقل از ساعتچی و همکاران، (۱۳۸۹) ضریب اعتبار آن از طریق ضریب آلفا ۰/۹۷ گزارش کرده اند.

ب) پرسشنامه مهارتهای ارتباطی جرابک (۲۰۰۴): این پرسشنامه دارای ۳۴ ماده است که در پژوهش نیکو صحبت (۱۳۹۴) با راهنمایی جعفری روشن، هنجاریابی شد و هفت عامل استخراج گردید که عبارتند از: ۱- تعامل معقول، ۲- ناتوانی در گوش دادن، ۳- بیانگر (مواجه شدن)، ۴- بیانگر (عدم درک) ۵- ابراز خود ۶- اداره "سرد" تعاملات هیجان آمیز ۷- عدم تحمل در درک. در

پژوهش حسین چاری و فداکار (۱۳۸۴) اعتبار تست از طریق آلفای کرونباخ و دو نیمه کردن ۰/۶۹ و ۰/۷۱ گزارش شده است. همچنین در پژوهش یوسفی (۱۳۸۵) اعتبار از طریق آلفای کرونباخ و دو نیمه کردن به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۷۷ اعلام گردیده است. در پژوهش جان بزرگی و ابراهیمی (۱۳۸۷) آلفای کرونباخ برابر با ۰/۶۷ گزارش گردیده است.

ج) پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر (DAS)^۲ (۱۹۷۸): این پرسشنامه دارای ۳۲ سوال است در تحلیل عاملی قهساره (۱۳۸۷) به نقل از ثنایی (۱۳۷۹) این مقیاس ۴ بعد رابطه (رضایت زناشویی، همبستگی زناشویی، توافق زناشویی و ابراز محبت) را می سنجد. اسپانیر (۱۹۷۸) پایایی ۰/۹۶ را از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس به دست آورد. حسن شاهی (۱۳۷۸) با استفاده از روش تصنیف برابر ۰/۹۶ و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ برآورد کرد. ملازاده (۱۳۸۹) اعتبار مقیاس را با روش بازآزمایی ۰/۸۶ و با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ گزارش کرده است. میزان روایی همزمان آن با پرسشنامه سازگاری زناشویی لاک والاس برابر ۰/۹۰ گزارش نمود. برای جمع آوری اطلاعات چهار منطقه شمال و جنوب، شرق و غرب تهران انتخاب شد. لازم به ذکر است این چهار منطقه به این دلیل انتخاب شدند که دارای انواع متفاوتی از سطح فرهنگی، اقتصادی بوده و می توانند به عنوان نمونه ای از شهر تهران بزرگ باشند. نمونه گیری در دسترس انجام شد. به منظور جمع آوری اطلاعات با مراجعه به در منازل، و مکان های شلوغ مانند پارک، یا فرهنگسرا با آزمودنی ها ارتباط رودررو برقرار شد و نسبت به نمونه گیری در دسترس اقدام گردید. به تمامی شرکت کنندگان در این پژوهش توضیحات کلی لازم مبنی بر اهداف پژوهش و شرکت داوطلبانه افراد و حفظ اطلاعات شخصی آنها ارایه شد. پرسشنامه های پس از تکمیل جمع آوری شد، پرسشنامه ها کدگذاری گردید و وارد رایانه شد و با استفاده از نرم افزار SPSS.22 در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در سطح توصیفی از شاخص گرایش مرکزی، شاخص های پراکندگی و نمودارهای مختلف و در سطح استنباطی نیز ضمن بررسی مفروضه های مورد نیاز، از تحلیل واریانس یکراهه و آزمون پسین توکی بهره گرفته شده است.

یافته ها

جدول ۱. شاخص های گرایش مرکزی و پراکندگی نمرات باورهای غیرمنطقی

متغیر	گروه سنی	میانگین	میانه	انحراف استاندارد	واریانس	دامنه تغییرات
	۳۵-۲۱	۲۹۵.۵۰	۲۹۵.۵۰	۱۳.۵۷۱	۱۸۴.۱۷۴	۵۲
نمره کل	۵۰-۳۶	۲۹۵.۷۴	۲۹۴.۰۰	۲۴.۱۰۳	۵۸۰.۹۳۳	۱۵۲
	۶۵-۵۱	۲۹۸.۱۵	۲۹۷.۰۰	۱۱.۳۷۵	۱۲۹.۳۹۷	۳۹
ضرورت تایید	۳۵-۲۱	۲۷.۴۶	۲۷.۰۰	۵.۳۳۲	۲۸.۴۳۳	۱۹
و حمایت از	۵۰-۳۶	۲۸.۳۸	۲۸.۰۰	۴.۷۶۷	۲۲.۷۲۰	۲۱
جانب دیگران	۶۵-۵۱	۲۸.۵۵	۲۹.۰۰	۲.۹۶۴	۸.۷۸۷	۱۱
	۳۵-۲۱	۳۱.۷۱	۳۱.۵۰	۴.۱۵۴	۱۷.۲۵۹	۲۰

1 Spanier

2 Dadic adjustment scale

۲۰	۱۹.۴۶۷	۴.۴۱۲	۳۰.۰۰	۳۰.۴۳	۵۰-۳۶	انتظار بیش از حد از خود
۱۳	۱۴.۴۵۰	۳.۸۰۱	۳۰.۰۰	۳۰.۳۵	۶۵-۵۱	
۱۰	۸.۷۳۷	۲.۹۵۶	۳۱.۰۰	۳۱.۲۹	۳۵-۲۱	تمایل به سرزنش
۲۲	۱۶.۵۳۹	۴.۰۶۷	۳۰.۰۰	۲۹.۹۴	۵۰-۳۶	
۱۵	۱۰.۰۵۰	۳.۱۷۰	۳۱.۵۰	۳۱.۰۵	۶۵-۵۱	
۱۳	۱۱.۵۲۰	۳.۳۹۴	۲۹.۰۰	۲۸.۹۶	۳۵-۲۱	واکنش به ناکامی
۲۰	۱۴.۵۰۰	۳.۸۰۸	۲۹.۰۰	۲۸.۹۸	۵۰-۳۶	
۱۵	۱۶.۵۵۵	۴.۰۶۹	۲۹.۵۰	۲۹.۸۵	۶۵-۵۱	
۱۶	۱۸.۶۰۱	۴.۳۱۳	۲۶.۰۰	۲۶.۰۸	۳۵-۲۱	بی مسئولیتی عاطفی
۲۲	۲۱.۷۲۴	۴.۶۶۱	۲۸.۰۰	۲۷.۶۰	۵۰-۳۶	
۱۳	۱۱.۲۰۸	۳.۳۴۸	۲۹.۵۰	۲۹.۵۵	۶۵-۵۱	
۱۵	۱۳.۵۳۶	۳.۶۷۹	۳۰.۰۰	۳۰.۶۷	۳۵-۲۱	بیش نگرانی توام با اضطراب
۲۶	۱۹.۸۳۱	۴.۴۵۳	۳۱.۰۰	۳۱.۳۲	۵۰-۳۶	
۱۵	۱۳.۰۸۲	۳.۶۱۷	۳۱.۰۰	۳۱.۳۵	۶۵-۵۱	
۱۸	۲۲.۴۷۶	۴.۷۴۱	۲۶.۵۰	۲۶.۰۴	۳۵-۲۱	اجتناب از مشکلات
۲۰	۱۹.۶۱۳	۴.۴۲۹	۲۹.۰۰	۲۸.۳۲	۵۰-۳۶	
۸	۸.۳۴۵	۲.۸۸۹	۳۱.۰۰	۲۹.۸۵	۶۵-۵۱	
۱۹	۱۹.۶۰۷	۴.۴۲۸	۳۲.۰۰	۳۲.۰۴	۳۵-۲۱	وابستگی به دیگران
۲۳	۱۹.۹۸۷	۴.۴۷۱	۳۰.۰۰	۳۰.۷۲	۵۰-۳۶	
۱۴	۱۴.۷۶۶	۳.۸۴۳	۲۹.۰۰	۲۸.۳۵	۶۵-۵۱	
۱۶	۱۳.۵۳۶	۳.۶۷۹	۳۲.۵۰	۳۲.۸۳	۳۵-۲۱	درماندگی به نسبت به تغییر
۲۷	۲۲.۵۴۹	۴.۷۴۹	۳۱.۰۰	۳۰.۸۷	۵۰-۳۶	
۱۷	۱۵.۴۸۴	۳.۹۳۵	۲۹.۵۰	۲۹.۷۰	۶۵-۵۱	
۱۳	۱۰.۲۵۴	۳.۲۰۲	۲۹.۰۰	۲۸.۴۲	۳۵-۲۱	کمال گرایی
۱۴	۱۲.۵۹۳	۳.۵۴۹	۲۹.۰۰	۲۹.۱۹	۵۰-۳۶	
۱۲	۸.۷۸۷	۲.۹۶۴	۳۰.۰۰	۲۹.۵۵	۶۵-۵۱	

جدول ۲، نمرات مولفه های مهارت های ارتباطی را در گروه های مورد مقایسه نشان می دهد.

جدول ۲. شاخص های گرایش مرکزی و پراکنندگی نمرات مهارت های ارتباطی

متغیر	گروه سنی	میانگین	میانه	انحراف استاندارد	واریانس	دامنه تغییرات
تعامل معقول	۳۵-۲۱	۱۷.۴۲	۱۷.۰۰	۲.۲۶۳	۵.۱۲۳	۹
	۵۰-۳۶	۱۶.۷۹	۱۷.۰۰	۳.۱۷۶	۱۰.۰۸۴	۱۴
	۶۵-۵۱	۱۶.۴۰	۱۶.۰۰	۲.۳۲۶	۵.۴۱۱	۱۰
ناتوانی در گوش دادن	۳۵-۲۱	۱۶.۲۹	۱۷.۰۰	۲.۳۸۶	۵.۶۹۴	۹
	۵۰-۳۶	۱۵.۷۲	۱۵.۰۰	۳.۳۰۲	۱۰.۹۰۰	۱۶
	۶۵-۵۱	۱۵.۵۵	۱۵.۰۰	۲.۵۲۳	۶.۳۶۶	۱۰
مواجه شدن	۳۵-۲۱	۱۱.۴۲	۱۲.۰۰	۲.۱۸۵	۴.۷۷۵	۱۰
	۵۰-۳۶	۱۱.۶۴	۱۲.۰۰	۲.۱۱۰	۴.۴۵۳	۱۰
	۶۵-۵۱	۱۱.۹۰	۱۲.۰۰	۱.۸۸۹	۳.۵۶۸	۶
عدم درک	۳۵-۲۱	۲۱.۸۸	۲۱.۰۰	۲.۵۰۸	۶.۲۸۸	۱۰
	۵۰-۳۶	۲۰.۱۳	۱۹.۰۰	۳.۱۰۴	۹.۶۳۶	۱۶
	۶۵-۵۱	۱۸.۷۵	۱۸.۰۰	۳.۰۷۶	۹.۴۶۱	۱۳
ایراز خود	۳۵-۲۱	۱۳.۷۱	۱۴.۰۰	۱.۶۲۸	۲.۶۵۰	۷
	۵۰-۳۶	۱۲.۶۰	۱۲.۰۰	۲.۴۹۹	۶.۲۴۶	۱۱
	۶۵-۵۱	۱۱.۱۰	۱۱.۰۰	۲.۱۰۰	۴.۴۱۱	۹
اداره سرد تعاملات هیجان آمیز	۳۵-۲۱	۱۳.۹۲	۱۳.۵۰	۲.۳۵۸	۵.۵۵۸	۹
	۵۰-۳۶	۱۳.۱۵	۱۲.۰۰	۲.۶۲۱	۶.۸۶۹	۱۱
	۶۵-۵۱	۱۲.۱۵	۱۲.۰۰	۲.۰۰۷	۴.۰۲۹	۹
عدم تحمل در درک	۳۵-۲۱	۸.۵۴	۸.۵۰	۱.۶۱۵	۲.۶۰۷	۶
	۵۰-۳۶	۹.۰۰	۹.۰۰	۲.۱۱۶	۴.۴۷۸	۱۱
	۶۵-۵۱	۸.۹۵	۹.۰۰	۲.۵۶۴	۶.۵۷۶	۱۲

جدول ۳، نمرات سازگاری زناشویی و مولفه های آن را در گروه های مورد مقایسه نشان می دهد.

جدول ۳. شاخص های گرایش مرکزی و پراکندگی نمرات سازگاری زناشویی و مولفه های آن

متغیر	گروه سنی	میانگین	میانه	انحراف استاندارد	واریانس	دامنه تغییرات
نمره کل	۳۵-۲۱	۱۲۰.۵۸	۱۲۹.۰۰	۲۱.۷۵۷	۴۷۳.۳۸۴	۹۲
	۵۰-۳۶	۱۰۸.۰۶	۱۰۸.۰۰	۲۴.۵۳۳	۶۰۱.۸۸۷	۱۲۳
	۶۵-۵۱	۹۰.۸۵	۸۶.۰۰	۱۹.۵۸۳	۳۸۳.۵۰۳	۷۶
رضایت زوجین	۳۵-۲۱	۳۹.۲۱	۴۱.۰۰	۷.۸۹۶	۶۲.۳۴۶	۲۸
	۵۰-۳۶	۳۳.۳۶	۳۵.۰۰	۱۰.۲۵۶	۱۰۵.۱۹۲	۴۷
	۶۵-۵۱	۲۸.۸۵	۲۹.۰۰	۶.۵۱۵	۴۲.۴۵۰	۲۷
همبستگی زوجین	۳۵-۲۱	۱۴.۸۸	۱۵.۰۰	۵.۷۳۶	۳۲.۸۹۷	۲۴
	۵۰-۳۶	۱۰.۴۵	۱۰.۰۰	۵.۲۲۰	۲۷.۲۵۳	۲۰
	۶۵-۵۱	۷.۴۰	۵.۵۰	۴.۷۸۴	۲۲.۸۸۴	۱۵
توافق زوجین	۳۵-۲۱	۵۷.۲۵	۶۰.۰۰	۹.۳۷۷	۸۷.۹۳۵	۴۰
	۵۰-۳۶	۵۵.۴۹	۵۷.۰۰	۱۱.۹۲۹	۱۴۲.۲۹۹	۶۰
	۶۵-۵۱	۴۷.۳۵	۴۵.۰۰	۹.۱۷۲	۸۴.۱۳۴	۳۶
ابراز محبت زوجین	۳۵-۲۱	۹.۲۵	۹.۵۰	۲.۵۹۲	۶.۷۱۷	۹
	۵۰-۳۶	۸.۷۷	۹.۰۰	۲.۵۳۹	۶.۴۴۴	۱۲
	۶۵-۵۱	۷.۲۵	۶.۵۰	۱.۸۶۰	۳.۴۶۱	۷

همچنین یافته‌های استنباطی نیز حاکی از آن است که در بررسی فرضیه پژوهشی اول مبنی بر اینکه «بین باورهای غیرمنطقی و مولفه های آن در سه نسل زنان تهران تفاوت وجود دارد.» یافته ها حاکی از برقراری مفروضه های تحلیل واریانس یکراهه است و آزمون تحلیل واریانس نیز نشان می دهد که در متغیرهای بی مسئولیتی عاطفی، اجتناب از مشکلات، وابستگی به دیگران حداقل بین دو گروه تفاوت معناداری مشاهده شده است. همچنین تفاوت حداقل دو گروه در مولفه درماندگی نسبت به تغییر، در حاشیه معناداری قرار داشته است. (جدول ۴) و نتایج آزمون تعقیبی توکی نیز نشان می دهد که (۱) گروه سنی ۵۱-۶۵ (با میانگین ۲۹/۵۵) نسبت به گروه سنی ۲۱-۳۵ (با میانگین ۲۶/۰۸) در مولفه بی مسئولیتی عاطفی نمرات بیشتری کسب کرده اند. (۲) گروه سنی ۵۱-۶۵ (با میانگین ۲۹/۸۵) نسبت به گروه سنی ۲۱-۳۵ (با میانگین ۲۶/۰۴) در مولفه اجتناب از مشکلات نمرات بیشتری کسب کرده و گروه سنی ۳۶-۵۰ (با میانگین ۲۸/۳۲) نسبت به گروه سنی ۲۱-۳۵ (با میانگین ۲۶/۰۴) در این مولفه نمرات بیشتری کسب کرده اند. (۳) گروه سنی ۵۱-۶۵ (با میانگین ۲۸/۳۵) نسبت به گروه سنی ۲۱-۳۵ (با میانگین ۳۲/۰۴) در مولفه وابستگی به دیگران نمرات کمتری کسب کرده اند. (۴) گروه سنی ۵۱-۶۵ (با میانگین ۲۹/۷۰) نسبت به گروه سنی ۲۱-۳۵ (با میانگین ۳۲/۸۳) در مولفه درماندگی نسبت به تغییر نمرات کمتری کسب کرده اند.

جدول ۴. نتایج آزمون مقایسه میانگین نمرات باورهای غیرمنطقی و مولفه های آن در سه نسل زنان مورد بررسی

سطح معناداری	مقدار F	مجدور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجدورات	منبع تغییرات	
.۸۸۰	.۱۲۸	۴۸.۷۷۳	۲	۹۷.۵۴۷	بین گروهی	نمره کل
		۳۷۹.۷۴۴	۸۸	۳۳۴۱۷.۴۸۶	درون گروهی	
.۶۶۸	.۴۰۵	۸.۵۸۶	۲	۱۷.۱۷۲	بین گروهی	ضرورت تایید و حمایت از جانب دیگران
		۲۱.۲۰۵	۸۸	۱۸۶۶.۰۱۵	درون گروهی	
.۴۳۲	.۸۴۸	۱۵.۰۹۵	۲	۳۰.۱۸۹	بین گروهی	انتظار بیش از حد از خود
		۱۷.۸۰۷	۸۸	۱۵۶۶.۹۹۸	درون گروهی	
.۲۵۹	۱.۳۷۰	۱۷.۹۴۹	۲	۳۵.۸۹۹	بین گروهی	تمایل به سرزنش
		۱۳.۰۹۹	۸۸	۱۱۵۲.۷۱۷	درون گروهی	
.۶۵۵	.۴۲۵	۶.۰۲۰	۲	۱۲.۰۴۰	بین گروهی	واکنش به ناکامی
		۱۴.۱۶۵	۸۸	۱۲۴۶.۴۸۷	درون گروهی	
***.۰۳۴	۳.۵۲۰	۶۵.۵۹۷	۲	۱۳۱.۱۹۴	بین گروهی	بی مسئولیتی عاطفی
		۱۸.۶۳۸	۸۸	۱۶۴۰.۱۰۲	درون گروهی	
.۷۹۴	.۲۳۲	۳.۸۷۵	۲	۷.۷۵۰	بین گروهی	بیش نگرانی توأم با اضطراب
		۱۶.۷۲۸	۸۸	۱۴۷۲.۰۹۶	درون گروهی	
***.۰۱۳	۴.۶۰۲	۸۲.۵۰۲	۲	۱۶۵.۰۰۴	بین گروهی	اجتناب از مشکلات
		۱۷.۹۲۹	۸۸	۱۵۷۷.۷۲۱	درون گروهی	
***.۰۲۱	۴.۰۴۱	۷۵.۸۰۷	۲	۱۵۱.۶۱۵	بین گروهی	وابستگی به دیگران
		۱۸.۷۶۰	۸۸	۱۶۵۰.۹۱۳	درون گروهی	
*.۰۵۳	۳.۰۴۴	۵۶.۸۲۵	۲	۱۱۳.۶۵۰	بین گروهی	درماندگی به نسبت به تغییر
		۱۸.۶۶۸	۸۸	۱۶۴۲.۷۶۷	درون گروهی	
.۵۰۱	.۶۹۶	۷.۷۷۲	۲	۱۵.۵۴۴	بین گروهی	کمال گرایی
		۱۱.۱۶۰	۸۸	۹۸۲.۰۶۰	درون گروهی	

*** در سطح ۰/۰۱ معنادار است / ** در سطح ۰/۰۵ معنادار است / * در حاشیه معناداری

در بررسی فرضیه پژوهشی دوم مبنی بر اینکه «بین مولفه های مهارت های ارتباطی در سه نسل زنان تهران تفاوت وجود دارد.» یافته ها حاکی از برقراری مفروضه های تحلیل واریانس یکراهه است و آزمون تحلیل واریانس نیز نشان می دهد که در مولفه های «عدم درک» و «ابرازخود» حداقل بین دو گروه تفاوت معناداری مشاهده شده است. همچنین تفاوت حداقل دو گروه در مولفه «اداره سرد تعاملات هیجان آمیز» در حاشیه معناداری قرار داشته است. (جدول ۵) و نتایج آزمون تعقیبی توکی نیز نشان می دهد که ۱) گروه سنی ۵۱-۶۵ (با میانگین ۱۸/۷۵) نسبت به گروه سنی ۲۱-۳۵ (با میانگین ۲۱/۸۸) در مولفه عدم درک نمرات کمتری کسب کرده و گروه سنی ۲۱-۳۵ (با میانگین ۲۱/۸۸) نسبت به گروه سنی ۳۶-۵۰ (با میانگین ۲۰/۱۳) در این مولفه نمرات بیشتری کسب کرده اند. ۲) گروه سنی ۵۱-۶۵ (با میانگین ۱۱/۱۰) نسبت به گروه سنی ۲۱-۳۵ (با میانگین ۱۳/۷۱) در مولفه ابرازخود نمرات کمتری کسب کرده و گروه سنی ۵۱-۶۵ (با میانگین ۱۱/۱۰) نسبت به گروه سنی ۳۶-۵۰ (با میانگین ۱۲/۶۰) در این مولفه نمرات کمتری کسب کرده اند. ۳) گروه سنی ۵۱-۶۵ (با میانگین ۱۲/۱۵) نسبت به گروه سنی ۲۱-۳۵ (با میانگین ۱۳/۹۲) در مولفه اداره سرد تعاملات هیجان آمیز نمرات کمتری کسب کرده اند.

جدول ۵. نتایج آزمون مقایسه میانگین نمرات مولفه های مهارت های ارتباطی در سه نسل زنان مورد بررسی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	مقدار F	سطح معناداری
تعامل معقول	بین گروهی	۲	۵.۹۵۶	۰.۷۶۶	۰.۴۶۸
	درون گروهی	۸۸	۷.۷۷۸		
ناتوانی در گوش دادن	بین گروهی	۲	۳.۶۰۷	۰.۴۲۱	۰.۶۵۷
	درون گروهی	۸۸	۸.۵۶۰		
مواجه شدن	بین گروهی	۲	۱.۲۷۴	۰.۲۹۳	۰.۷۴۷
	درون گروهی	۸۸	۴.۳۴۶		
عدم درک	بین گروهی	۲	۵۴.۴۸۱	۶.۲۴۶	***.۰۰۳
	درون گروهی	۸۸	۸.۷۲۳		
ابراز خود	بین گروهی	۲	۳۷.۱۷۰	۷.۵۷۰	***.۰۰۱
	درون گروهی	۸۸	۴.۹۱۰		
اداره سرد تعاملات هیجان آمیز	بین گروهی	۲	۱۷.۰۳۸	۲.۸۸۲	*.۰۶۱
	درون گروهی	۸۸	۵.۹۱۳		
عدم تحمل در درک	بین گروهی	۲	۱.۷۵۵	۰.۳۹۵	۰.۶۷۵
	درون گروهی	۸۸	۴.۴۴۲		

*** در سطح ۰/۰۱ معنادار است / ** در سطح ۰/۰۵ معنادار است / * در حاشیه معناداری

در بررسی فرضیه پژوهشی سوم مبنی بر اینکه «بین سازگاری زناشویی و مولفه های آن در سه نسل زنان تهران تفاوت وجود دارد.» یافته ها حاکی از برقراری مفروضه های تحلیل واریانس یکراهه است و آزمون تحلیل واریانس نیز نشان می دهد که در نمرات سازگاری زناشویی و تمام مولفه های آن حداقل بین دو گروه تفاوت معناداری مشاهده شده است. (جدول ۶) و نتایج آزمون تعقیبی توکی نیز نشان می دهد که ۱- گروه سنی ۵۱-۶۵ (با میانگین ۹۰/۸۵) نسبت به گروه سنی ۲۱-۳۵ (با میانگین ۱۲۰/۵۸) در سازگاری زناشویی، نمرات کمتری کسب کرده و گروه سنی ۵۱-۶۵ (با میانگین ۹۰/۸۵) نسبت به گروه سنی ۳۶-۵۰ (با میانگین ۱۰۸/۰۶) نمرات کمتری کسب کرده اند. و گروه سنی ۳۶-۵۰ (با میانگین ۱۰۸/۰۶) نسبت به گروه سنی ۲۱-۳۵ (با میانگین ۱۲۰/۵۸) نمرات کمتری کسب کرده اند. ۲- گروه سنی ۵۱-۶۵ (با میانگین ۲۸/۸۵) نسبت به گروه سنی ۲۱-۳۵ (با میانگین ۳۹/۲۱) در مولفه رضایت زوجین نمرات کمتری کسب کرده و گروه سنی ۳۶-۵۰ (با میانگین ۳۳/۳۶) نسبت به گروه سنی ۲۱-۳۵ (با میانگین ۳۹/۲۱) در این مولفه نمرات کمتری کسب کرده اند. ۳- گروه سنی ۳۶-۵۰ (با میانگین ۱۰/۴۵) نسبت به گروه سنی ۲۱-۳۵ (با میانگین ۱۴/۸۸) در مولفه همبستگی زوجین نمرات کمتری کسب کرده و گروه سنی ۵۱-۶۵ (با میانگین ۷/۴۰) نسبت به گروه سنی ۲۱-۳۵ (با میانگین ۱۴/۸۸) در این مولفه نمرات کمتری کسب کرده و گروه سنی ۵۱-۶۵ (با میانگین ۷/۴۰) نسبت به گروه سنی ۳۶-۵۰ (با میانگین ۱۰/۴۵) در این مولفه نمرات کمتری کسب کرده اند. ۴- گروه سنی ۵۱-۶۵ (با میانگین ۴۷/۳۵) نسبت به گروه سنی ۲۱-۳۵ (با میانگین ۵۷/۲۵) در مولفه توافق زوجین نمرات کمتری کسب کرده و گروه سنی ۵۱-۶۵ (با میانگین ۴۷/۳۵) نسبت به گروه سنی ۳۶-۵۰ (با میانگین ۵۵/۴۹) در این مولفه نمرات کمتری کسب کرده اند. ۵- گروه سنی ۵۱-۶۵ (با میانگین ۷/۲۵) نسبت به گروه سنی ۲۱-۳۵ (با میانگین ۹/۲۵) در مولفه ابراز محبت نمرات کمتری کسب کرده و گروه سنی ۵۱-۵۶ (با میانگین ۷/۲۵) نسبت به گروه سنی ۳۶-۵۰ (با میانگین ۸/۷۷) در این مولفه نمرات کمتری کسب کرده اند.

جدول ۶. نتایج آزمون مقایسه میانگین نمرات باورهای غیرمنطقی و مولفه های آن در سه نسل زنان مورد بررسی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	مقدار F	سطح معناداری
نمره کل	بین گروهی	۲	۴۸۳۳.۴۷۰	۹.۲۷۵	***.۰۰۰
	درون گروهی	۸۸	۵۲۱.۱۵۰		
رضایت زوجین	بین گروهی	۲	۵۹۹.۹۶۹	۷.۴۵۸	***.۰۰۱
	درون گروهی	۸۸	۸۰.۴۴۷		
همبستگی زوجین	بین گروهی	۲	۳۱۶.۸۴۲	۱۱.۴۰۴	***.۰۰۰
	درون گروهی	۸۸	۲۷.۷۸۵		
توافق زوجین	بین گروهی	۲	۶۱۹.۸۶۶	۵.۳۶۵	***.۰۰۶
	درون گروهی	۸۸	۱۱۵.۵۳۲		
ابراز محبت زوجین	بین گروهی	۲	۲۳.۸۷۱	۴.۰۶۶	***.۰۲۰
	درون گروهی	۸۸	۵.۸۷۱		

*** در سطح ۰/۰۱ معنادار است / ** در سطح ۰/۰۵ معنادار است / * در حاشیه معناداری

بحث و نتیجه گیری

یافته های حاصل از پژوهش حاضر حاکی از تفاوت برخی باورهای غیرمنطقی (بی مسئولیتی عاطفی، اجتناب از مشکلات، وابستگی به دیگران، درماندگی نسبت به تغییر) در سه نسل مورد بررسی بوده است (هر سه نسل یا حداقل بین دو نسل) به گونه ای که با بالا رفتن مدت زندگی مشترک، باورهای غیرمنطقی افزایش یافته است. پژوهش های پیشین نیز به نوعی این یافته را تایید می کنند و این یافته با یافته های برخی پژوهش های پیشین همخوانی دارد. از جمله می توان به پژوهش های اکبرزاده و همکاران (۱۳۹۳) و سنبلی بیدگلی (۱۳۹۲) اشاره کرد.

سنبلی بیدگلی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان بررسی تمایزات نسلی باورهای نقش های جنسیتی و ارتباط آن با سازگاری، انتظارات و تعارض زناشویی، نتیجه گرفته است که باورهای نقش جنسیتی زنان (جز در بعد اجتماعی) در سه نسل متفاوت است. در پژوهش وی این سه نسل عبارت بودند از: جوان (۹۶ نفر)، میانسال (۱۶۸ نفر) و بزرگسال (۴۸ نفر) بودند.

علاوه بر پژوهش های پیشین، نگاهی به مبانی نظری باورهای غیرمنطقی، می تواند مهر تاییدی بر این یافته ها باشد. بی مسئولیتی عاطفی، اجتناب از مشکلات، وابستگی به دیگران، درماندگی نسبت به تغییر از جمله باورهای غیرمنطقی است که پژوهش حاضر نشان داد با بالا رفتن مدت ازدواج، این باورها افزایش یافته است. به عبارت دیگر، به نظر می رسد این باورهای غیرمنطقی، در نسل های جدیدتر، کمتر نمود داشته است.

براساس شناخت درمانی خطاهای شناختی و افکار غیرمنطقی منجر به افکار منفی و ناسالم می شوند و هر احساس منفی، ناشی از اندیشه منفی به خصوصی است (برنز، ۱۹۹۰، ترجمه قراچه داغی، ۱۳۹۱). به طور کلی خطاهای شناختی سرچشمه نگاه افراد به پدیده ها، رویدادها و روابط هستند. تفکر همه یا هیچ، فیلترذهنی، بی توجهی به امور مثبت، نتیجه گیری شتابزده، درشت نمایی، استدلال احساسی، نظام بایدها، برچسب زنی، شخصی سازی و سرزنش کردن از جمله مهم ترین خطاهای شناختی هستند که احساسات منفی را به دنبال دارند و باعث یاس و ناامیدی در فرد می شوند. این فرایندهای بدکارکرد شناختی باعث می شود که فرد نظر بدبینانه ای نسبت به دیگران و خود داشته باشد و این بدبینی به نوبه خود بر روابط اجتماعی و گوشه گیری فرد تاثیر دارد. اما ملاحظه می شود که نسل های جوان تر، کمتر از این ویژگی ها برخوردارند.

از طرفی آموزش مقابله با باورهای غیرمنطقی باعث شناخت خطاهای شناختی می شود و آگاهی و کنترل بر این باورها باعث تغییر نگرش فرد و خوشبینی نسبت به امور و پدیده ها می شود، بر این اساس ممکن است بتوان گفت علت کاهی باورهای غیر منطقی در نسل های جدید تر، ارتقای سطح آموزش آنها بوده است. و اما به طور خاص در مورد باورهای غیر منطقی مذکور (اجتناب از مشکلات، وابستگی به دیگران، درماندگی نسبت به تغییر، بی مسئولیتی عاطفی) می توان گفت:

بی مسئولیتی عاطفی، یکی از دغدغه های مشاوران در مورد نسل های جدید است. نتایج پژوهش حاضر نیز این موضوع را نشان می دهد. یکی از ویژگی های مهم شخصیتی که در موفقیت ما نقش عمده ای ایفا می کند، مسئولیت پذیری است. افرادی که به دقت وظایفشان را انجام می دهند نیازی به تذکر دیگران ندارند، از طرف دیگر اشخاصی به وظایف خود اهمیتی نمی دهند و برای مسئولیتی که به عهده دارند هیچ ارزشی قائل نیستند. اگرچه این تعریف از مسئولیت پذیری اشتباه نیست، اما روان شناسان تعریف دقیق تری از این ویژگی ارائه داده اند. سرتو (۱۹۸۹) مسئولیت پذیری را یک الزام و تعهد درونی از سوی فرد برای انجام مطلوب

همه فعالیت هایی که بر عهده او گذاشته شده است، تعریف می کند و معتقد است که مسئولیت پذیری از درون فرد سرچشمه می گیرد. فردی که مسئولیت کاری را بر عهده می گیرد، توافق می نماید که یک سری فعالیت ها و کارها را انجام دهد و یا بر انجام این کارها توسط دیگران نظارت داشته باشد (عباسپور، ۱۳۹۳).

یکی از باورهای غیر منطقی این باور است که اجتناب از مشکلات و شانه خالی کردن از مسئولیت ها خیلی آسان تر از مواجهه با آنها می باشد (بامداد، ۱۳۹۵). این باور می تواند آزاردهنده باشد، زیرا طفره رفتن از کارهای ناخوشایندی که فرد با آن سر و کار دارد باعث می شود که این کارها اثر پایدارتری در ضمیر ناخودآگاه فرد بوجود آورد و هنگامی که فرد سرانجام با آن روبرو شد مشکل تر می شود (عباس پور، ۱۳۹۳).

همچنین در مورد مولفه وابستگی به دیگران باید گفت این باور که ما باید فردی قوی تر از خودمان داشته باشیم تا به او تکیه کنیم، باعث می شود که فرد همیشه به دیگران نیازمند و محتاج باشد و از خود خلاقیت و ابتکاری نداشته باشد و در غیر این صورت اگر فرد تنها بماند، عاجز و درمانده شود و دچار اضطراب شود (عباس پور، ۱۳۹۳). این ویژگی در نسل های جدیدتر، کمتر مشاهده می شود و بر کسی پوشیده نیست که نسل های جدیدتر، استقلال بیشتری نسبت به نسل های قدیمی تر دارند.

علاوه بر این، نسل های جدیدتر، نسبت به آینده و ایجاد تغییر، مصمم تر از پیشینیان خود هستند. این باور که وضع فعلی ما محصول تاریخچه و گذشته ماست و کمتر بر اثرات آن غلبه نمود (بامداد، ۱۳۹۵) و چون ما زاینده گذشته خود هستیم، کمتر می توان به اثرات آن فائق شد. این باور باعث ناامیدی و عدم تلاش و کوشش برای رسیدن به هدف می شود و این که فرد یک بهانه و عذر در مقابل مشکلات پیش آمده دارد، چراکه وی هیچ دستی در آن نداشته است (عباس پور، ۱۳۹۳).

در مورد تایید دیگران نیز، این باور که نیاز به حمایت و تأیید افرادی داریم که آنها را می شناسیم و یا به آنها علاقه داریم. می تواند به دلایل متعدد مشکلاتی برای انسان ایجاد کند. برای مثال تقاضای مورد تایید دیگران بودن سبب می شود که انسان خودش را به خاطر این که آیا می تواند این تأیید را بدست آورد یا نه ناراحت و نگران نماید. اگر این تأیید را قطعاً بدست آورد آنگاه نگران خواهد بود که مبادا دوباره آن را از دست بدهد. نگرانی کامل داشتن در مورد تأیید دیگران بر روی تصمیم و عملکرد فرد در مورد زندگی اش تأثیر می گذارد. اینکه خواستار یا تقاضامند تأیید و تقویت تقریباً هر کسی باشیم هدفی غیر قابل دسترسی است، چرا که هر کاری که فرد انجام می دهد ممکن است بعضی آن را تأیید کنند و بعضی دیگر تأیید نکنند و گروهی نسبت به آن بی تفاوت باشند. بنابراین انسان اگر به زندگی خود ادامه دهد و زندگی خود را طبق میل و آرزوهای خویش اداره کند، مردم وی را تایید می کنند و او را دوست دارند، اگر چه آنان ممکن است همان مردمی نباشند که وی خواستار تایید آنهاست (عباس پور، ۱۳۹۳).

بحث و نتیجه گیری پیرامون فرضیه دوم پژوهش: یافته های حاصل از پژوهش حاضر حاکی از تفاوت برخی مولفه های مهارت های ارتباطی (عدم درک، ابرازخود، و اداره سرد تعاملات هیجان آمیز) در سه نسل مورد بررسی بوده است به گونه ای که با بالا رفتن مدت زندگی مشترک، مهارت های ارتباطی کاهش می یابد. عظیمی هاشمی و همکاران (۱۳۹۴) در مقایسه ای که بین ۱۴۰۰ دانشجو و نسل قبل از آنها، انجام داده اند، دریافتند که شیوه های ارتباطی نسل جدید، با نسل پیش از خود متفاوت است. آنها گزارش کرده اند که نزدیک به یک سوم نسل جوان دوستای با جنس مخالف را نمی پذیرند که این نسبت در نسل قبل حدوداً

دوبرابر (۵۷/۳ درصد خانواده های آنان) است. نیمی از جوانان با شرایط خاص و به راحتی این روابط را می پذیرند که بررسی های عمیق تر نشان داد که این نسبت ها موید تفاوت های بین نسلی و هم درون نسلی در مورد این موضوع است. نتایج در خصوص نوع رابطه با جنس مخالف حاکی از شکاف و قطبی شدن ارزشی در نسل جوان دانشجو است. همچنین تفاوت معنی داری بین نسلی نیز در این مورد وجود دارد. ۴۰ درصد از جوانان دانشجو، علاوه بر نگرش مثبت به دوستی با جنس مخالف، این دوستی را در عمل تجربه کرده اند.

همچنین رازقی نصرآباد و فلاح نژاد (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان تفاوت های نسلی ارزش ازدواج نشان دادند، تفاوت آماری معنی داری در ارزش ازدواج در نسل های مختلف وجود دارد و این تأثیر در حضور متغیرهای اقتصادی اجتماعی همچنان پایرجاست. با این حال ترکیبی از ارزشهای سنتی و مدرن در ازدواج در سه نسل وجود دارد. بیشترین تفاوت نسلی مربوط به گویه های معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج و سپس ازدواج با اقوام نزدیک است. این یافته ها، تفاوت های نسل ها در ارتباطات بین فردی را نشان می دهد.

علاوه بر این، ملاحظه مبانی نظری مولفه های مذکور مهارت های ارتباطی (عدم درک، ابرازخود، و اداره سرد تعاملات هیجان آمیز)، شواهدی در تایید این یافته ها نشان می دهد.

در مورد مولفه عدم درک باید گفت وقتی خانواده ای از الگوهای ارتباط مؤثر استفاده می کنند، انتقال و درک واضحی از محتوا و قصد هر پیام دارند. نوع نظام خانواده و الگوهای ارتباطی آن، اثر مهمی بر اعضاء خانواده دارد، زیرا شخصیت، یادگیری، توسعه، ابقاء اعتماد به نفس، قدرت انتخاب و تصمیم گیری منطقی افراد خانواده، همه به نوع اطلاعات و نحوه انتقال اطلاعات بین اعضای خانواده وابسته است. ارتباط مؤثر در خانواده نیازمند آن است که فرستنده، پیام را واضح بفرستد و بازخورد صحیح داشته باشد، به عبارتی، گیرنده، معنی و مقصود پیام را درک کند، بنابراین ارتباط مؤثر در خانواده، فرآیندی است مداوم که در آن فرستنده و گیرنده باید به طور فعال دخالت داشته باشند (قهساره و همکاران، ۱۳۸۷).

همچنین در مورد مولفه ابراز خود باید گفت تمامی خانواده درمانگرها خانواده را بستری برای تعامل می دانند و همگی آنها روابط موجود در خانواده را ثقل و مرکز خانواده می دانند. در این میان نظریه های مختلفی مطرح شده است. یکی از این نظریه ها، نظریه روابط فردی است. بر اساس این نظریه ارتباط کنونی آدمیان تا حدودی بر اساس انتظاراتی است که در اثر تجارب اولیه شکل گرفته است. یعنی گذشته در یاد انسان باقی می ماند و همواره به صورت ناهشیار بر زندگی او تأثیر می گذارد. پاسخی که انسانها در برابر دیگران صادر می کنند عمدتاً براساس شباهت این اشخاص با افرادی است که قبلاً درونی شده اند و نه بر اساس طرز رفتار واقعی آنان (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۵).

در مورد اداره سرد تعاملات هیجان آمیز نیز باید گفت تحقیقات نشان داده است که یکی از مهم ترین عوامل مشکل ساز بین زن و شوهر، اختلال در ارتباط است. مشکلات ارتباطی رایج ترین مشکل زوجین است و بیش از ۹۰ درصد زوج های آشفته این مشکلات را به عنوان مشکل اصلی در روابط خود بیان می کنند (برنشتاین، برنشتاین، ۱۳۸۹). وقتی دو نفر در کنار هم قرار می گیرد ادامه رابطه آنها به دانش، مهارت و هنر هر کدام از آنها در تحکیم این ارتباط بستگی دارد و این الگوهای ارتباطی بر اساس قراردادهایی نامرئی به وجود می آید و بر روابط متقابل آنها حاکم می شود (اسماعیل پور و همکاران، ۱۳۹۳).

براساس آنچه بیان شد شاید بتوان گفت که نسل های جدیدتر، از مهارت های ارتباطی بیشتری نسبت به نسل های قدیمی تر برخوردارند و این همان چیزی است که یافته های پژوهش حاضر بدان اشاره دارد.

بحث و نتیجه گیری پیرامون فرضیه سوم پژوهش: یکی از بحث برانگیزترین یافته های این پژوهش، کاهش سازگاری زناشویی به گذر زمان است. به طور کلی یافته های این پژوهش حاکی از آن است که نسل های قبلی، سازگاری زناشویی کمتری از خود نشان می دهند. این یافته ها با اغلب یافته های پژوهش های پیشین همخوانی دارد. از آن جمله می توان به پژوهش های، فرخ زاد (۱۳۹۱)، سلگی (۱۳۸۹)، ناصحی و همکاران (۱۳۸۹) اشاره کرد. از طرفی یافته های پژوهش امینی (۱۳۹۴) نشان داد که سازگاری زناشویی زوجین میان سال بیشتر از سازگاری زناشویی زوجین جوان است. این در حالی است که وی در پژوهش خود به این نتیجه دست یافته است که صمیمیت جنسی زوجین جوان بیشتر از صمیمیت جنسی زوجین میان سال است. و یافته های وی تفاوتی را در دلزدگی زناشویی زوجین جوان و میان سال نشان نداد. وی در نهایت نتیجه می گیرد که گذشت زمان و طول مدت رابطه زناشویی، صمیمیت جنسی زوجین و سازگاری زناشویی آن ها را تحت تاثیر قرار می دهد.

این یافته در حالی است که پژوهش های زیادی تفاوت سازگاری زناشویی را در نسل های مختلف تایید کرده است. ناصحی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود نشان داده است که با افزایش تفاوت سنی و طول سال های ازدواج سازگاری زناشویی کاهش می یابد.

جلالی خواه (۱۳۹۵) نیز در مقایسه ی کارکرد خانوادگی و نقشهای جنسیتی در سه نسل اخیر مردم شهر کرمانشاه دریافته است که کارکرد خانوادگی در طی سه نسل، جز در بعد آمیختگی عاطفی بی تغییر بوده است. به تعبیر دیگر، آمیختگی عاطفی در سه نسل دستخوش تغییر شده است.

سلگی (۱۳۸۹) نیز به مقایسه صمیمیت و سازگاری زناشویی در دو سبک انتخاب همسر، از طریق موسسه های همسرگزینی و همسرگزینی از طریق معرفی خانواده؛ پرداخته و دریافته است که نمره کل صمیمیت و سازگاری زناشویی در زنانی که از طریق موسسه همسرگزینی ازدواج کرده بودند، از زنانی که بواسطه معرفی خانواده ازدواج کرده بودند بالاتر است.

فرخ زاد (۱۳۹۱) در پژوهش خود نشان داد که بین سه نوع فاصله سنی زوجین در میزان ارضای پنج نیاز اساسی گلاسر و میزان سازگاری زناشویی تفاوت معنادری وجود دارد.

عظیمی هاشمی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی با عنوان ارزش ها، نگرش ها و الگوهای کنش جوانان در خصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج در دو نسل اخیر استان خراسان رضوی نموده اند. یافته های پژوهش آنها موید تفاوت های بین نسلی و درون نسلی در مورد ارزش های همسرگزینی و رابطه با جنس مخالف است. به نظر می رسد این نوع نگرش می تواند در سازگاری زناشویی آنها تفاوت ایجاد کند.

همچنین به نظر می رسد تفاوت رضایت زناشویی در نسل های مختلف، به مهارت های ارتباطی زوج ها ارتباط دارد. در این رابطه برنشتاین و لارسون (ترجمه پورعابدی و منشی، ۱۳۸۹) هر دو به عواملی مانند مهارتهای ارتباطی و باورهای ناکارآمد به عنوان عوامل موثر در ناسازگاری زناشویی اشاره کرده اند. این در حالی است وی، باورهای ناکارآمد را معادل باورهای غیرعقلانی الیس

می‌داند. دیدگاه منطقی - عقلانی ایس هم علت اکثر مسائل رفتاری و تعارضات بین فردی از جمله تعارضات زناشویی را با باورهای غیرمنطقی فرد در ارتباط می‌داند (فرح بخش به نقل از سیف، ۱۳۸۷). غالب زوج های دارای مشکلات زناشویی، بر طبق عاداتی ریشه دار، همواره فرض را بر این می‌گذارند که کاملاً نسبت به معانی نهفته در رفتارها، احساسات، حرف ها، حالات چهره یا لحن صدای همسر خود آگاهی دارند (الیس، ۱۳۹۰). براین اساس، این یافته با یافته بخش پیشین پژوهش حاضر (تفاوت مهارت های ارتباطی در نسل های مختلف) گره خورده است و همان تبیین ها را در اینجا نیز می‌توان به کار برد.

علاوه براین، نگاهی تحلیلی به ادبیات و مبانی نظری سازگاری زناشویی، شواهدی برای تایید این یافته ها فراهم می‌آورد. در تعریف سازگاری زناشویی به عنوان یکی از مولفه هایی که عملکرد خوب یک خانواده را نشان می‌دهد، آمده است: «سازگاری زناشویی فرآیندی است که در طول زندگی در زوجین اتفاق می‌افتد و لازمه پیدایش آن انطباق سلیقه ها، شناخت صفات طرفین، وضع قوانین رفتاری و شکل گیری الگوهای مناسب است (عرب بافرانی به نقل از اولیا، ۱۳۹۲).

در مورد مولفه رضایت زوجین باید گفت که رضایت زوجین، یکی از آیتم های اصلی سازگاری زناشویی است. از دیدگاه اسپانیر (۱۹۷۶)، سازگاری زناشویی را می‌توان به شکل فرآیندی تعریف کرد که با پیامدهای چندی چون دشواری در درک تفاوت های جنسی، اضطراب شخصی و بین فردی، رضایتمندی زناشویی، همبستگی و توافق کلی دوتایی هم آیند است که بطور کلی بر کیفیت زندگی تاثیر می‌گذارد. سازگاری زناشویی فرآیندی است که در طول زندگی در زوجین اتفاق می‌افتد و لازمه پیدایش آن انطباق سلیقه ها، شناخت صفات طرفین، وضع قوانین رفتاری و شکل گیری الگوهای مناسب است (اسپانیر، ۱۹۷۶، به نقل از پورتجریشی، ۱۳۹۳).

همچنین اسپانیر (۱۳۷۶)، مولفه همبستگی زوجین را نیز یکی از مولفه های سازگاری زناشویی می‌داند (پورتجریشی، ۱۳۹۳).

جعفری روشن (۱۳۹۴) در کتاب مسایل اجتماعی آسیب زا با نگاهی به پیشگیری محله مدار خود عنوان می‌کند رضایت زناشویی و دیگر واژه ها یک حالت و یا یک حس درونی فردی است ولی سازگاری زناشویی از تعامل کارآمد زوجین حکایت می‌کند که این سازگاری در بسیاری از مواقع می‌تواند حس رضایت زناشویی را نیز به همراه بیاورد در واقع رضایت زناشویی می‌تواند ثمره سازگاری زناشویی باشد. وی سازگاری زناشویی را با دیدگاه سیستمیک محیط شناسانه، وضعیتی فرایند گونه می‌داند که در آن زوجین یکدیگر را درک کرده، می‌پذیرند و در یک چهارچوب فرهنگی مورد توافق به نیازهای (جنسی، عاطفی و ...) یکدیگر توجه کرده و به رفع آن در حد تعادل اقدام می‌کنند و به طور کلی، از رابطه ی خود احساس رضایت و خوشبختی می‌کنند. برنشتاین^۱ در کتاب زناشویی درمانی از دیدگاه رفتاری ارتباطی بیان میکند که مکانیسم های شناختی بر سازگاری و رضایت زناشویی تاثیر می‌گذارند. وی سه عامل اجتماعی (تغییرات سریع و پیاپی زندگی روزانه، ارزشها، رسم ها و باورها)؛ شخصی (برداشت های نادرست و انتظارات غیر واقع بینانه و) و عامل ارتباطی را در بروز ناسازگاری موثر می‌داند.

¹ Bernstein

منابع

- احمدی نوده، خ. فتحی آشتیانی، ع. نوابی نژاد، ش. (۱۳۸۴)، بررسی عوامل زمینه‌ای - فردی و ارتباطی - دوجانبه ای موثر بر سازگاری زناشویی. فصلنامه خانواده پژوهی. ۱، ۲۳۷-۲۲۱.
- آزاد ارمکی، ت؛ غفاری، غ. (۱۳۸۶). جامعه شناسی نسلی در ایران، تهران: ناشر: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی
- اسماعیل پور، خ. خواجه، و. مهدوی، ن. (۱۳۹۳). پیش بینی رضایت زناشویی همسران بر اساس باورهای ارتباطی و مهارت های ارتباطی. خانواده پژوهی. نهم، ۳۳.
- افروز، غ. جوادی، ب. حسینیان، س. آذربایجانی، م. لواسانی، م. (۱۳۹۴)، اثر بخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی و تعاملات عاطفی با رویکرد ارزشهای دینی بر رضایت زناشویی. روانشناسی خانواده، دوم، ۳، ۲-۱۴.
- اکبرزاده، د. قبری، ص. محمدزاده، ع. (۱۳۹۳). مقایسه ی نوع باورهای غیر منطقی، تعارضات زناشویی و سبک های مقابله ای در زوجین متقاضی طلاق و عادی. ۵۱۶-۵۲۴.
- الیس، آ. هارپر، ر. (۱۳۹۰). راهنمای ازدواج موفق. (ا. شفیع). تهران: موسسه ی خدمات فرهنگی رسا.
- امینی، ب. (۱۳۹۴). مقایسه سازگاری زناشویی، صمیمیت جنسی و دلزدگی زناشویی در زوجین جوان و میانسال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، دانشکده علوم انسانی.
- بامداد، م. (۱۳۹۵). مقایسه باورهای غیرمنطقی و طرحواره های ناسازگارانه اولیه افراد با شاخص های توده بدنی پایین و بالا. پایان نامه ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز.
- برنز، دیوید. (۱۹۹۰). شناخت درمانی، ترجمه مهدی قراچه داغی (۱۳۹۱)، انتشارات جیحون، چاپ هفتم.
- برنشتاین، ا. ج. و برنشتاین، م. (۱۳۸۹). زناشویی درمانی (از دیدگاه رفتاری-ارتباطی). (ح. پورعابدی نایینی و غ. منشی، مترجمان). تهران. انتشارات رشد.
- پورمحمد رضای تجربی، م. پهلوان نشان، س. نجفی فرد، ط. (۱۳۹۳). رابطه ی باورهای غیر منطقی و سازگاری زناشویی زوجین شهر انقلاب. فصلنامه ی رفاه اجتماعی. چهاردهم، ۵۳.
- ثناپی، ب. (۱۳۷۹). آسیب شناسی خانواده، نشریه پژوهشی تربیتی، یکم، ۳۳، ۳-۱۹.
- جعفری روشن، م. (۱۳۹۴). مسائل اجتماعی آسیب زا بانگاهی به پیشگیری محله مدار. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- جعفری، ع. (۱۳۸۶). بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی پیش از ازدواج بر افزایش رضایت زناشویی پس از ازدواج، علوم رفتاری، یکم، ۲، ۵۱-۳۱.
- جلالی خواه، ز. (۱۳۹۵). رابطه نقش جنسیتی و کارکرد خانواده در سه نسل اخیر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ملایر
- حسینچاری، م. آقادلورپور، محمد. (۱۳۸۵). آیا افراد کمرو فاقد مهارت‌های ارتباطی اند؟. سوم، ۱۰.
- خطیبی، ا. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر هر یک از مولفه های سازگاری بر انسجام خانواده ی اقوام شهر همدان با رویکرد جامعه شناختی. مجله ی جامعه شناسی ایران. شانزدهم، ۱۳۵، ۲-۱۶۹.
- خلعتبری، ج. قربان شیرودی، ش. مهدیون ز. (۱۳۸۸). تاثیر آموزش برنامه ی آمادگی ازدواج بر باورهای ارتباطی زوجین. فصلنامه روانشناسی تربیتی، اول، ۱، ۴۵-۳۳.
- دلاور، ع. (۱۳۹۴). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: انتشارات رشد.

- دلور، ع. (۱۳۹۴). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: انتشارات رشد.
- رازقی نصر آباد، حجه بی بی و فلاح نژاد، لیلا. (۱۳۹۶). تفاوت های نسلی ارزش ازدواج (مورد مطالعه شهر هشتگرد). فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، دوره ۱۹، شماره ۷۵
- رضازاده، م. (۱۳۸۶). رابطه ی مهارت های ارتباطی و سازگاری زناشویی در دانشجویان. روان شناسی معاصر. سوم، ۱.
- زارع، ب. صفیاری جعفرآباد، ه. (۱۳۹۴). مطالعه ی رابطه ی عوامل موثر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی در بین زنان و مردان متأهل شهر تهران، مطالعات اجتماعی و روان شناختی زنان، سیزدهم، ۱، ۱۴۰-۱۱۱
- ساروخانی، ب. (۱۳۹۴). دانشنامه ارتباطات، جلد اول: جامعه شناسی ارتباطات اصول و مبانی، تهران: انتشارات اطلاعات
- ساعتچی، م؛ کامکاری، ک؛ عسکریان، م. (۱۳۸۹). آزمونهای روان شناختی، نشر ویرایش
- سلگی، ع. (۱۳۸۹). مقایسه صمیمیت و سازگاری زناشویی در دو سبک انتخاب همسر: از طریق موسسه های همسرگزینی و همسرگزینی از طریق معرفی خانواده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- سنبل بیگلر، م. (۱۳۹۲). بررسی تمایزات نسلی باورهای نقش های جنسیتی و ارتباط آن با سازگاری، انتظارات و تعارض زناشویی در زنان شهر کاشان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- سیف، س. اسلامی، م. (۱۳۸۷). نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی. اندیشه های نوین تربیتی، چهارم، شماره ۱ و ۲، ۱۳۰-۹۹.
- شامحمدی قهساره، ا. درویشه، ز. پورشهاری، م. (۱۳۸۷). اثربخشی آموزش مهارتهای ارتباطی بر افزایش سازگاری زناشویی همسران معتادان و پیشگیری از بازگشت معتادان مرد در شهر اصفهان.
- عباس پور، ذ. (۱۳۹۳). بررسی رابطه باورهای غیرمنطقی و سرسختی روانشناختی با عملکرد تحصیلی در دانشجویان سال دوم فنی حرفه ای اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز
- عظیمی هاشمی، م؛ اعظم کاری، ف؛ بیگناه، م؛ رضامنش، ف. (۱۳۹۴). ارزش ها، نگرش ها و الگوهای کنش جوانان در خصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج در دو نسل اخیر (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه های استان خراسان رضوی)، مجله علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ، شماره ۲۹، بهار
- فرخزاد، ط. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه ای و رابطه ای بین سه نوع فاصله ی سنی بین زوجین، پنج نیاز اساسی گلاسر و سازگاری زناشویی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س) دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- فرهنگی، ع. ا. (۱۳۸۴). ارتباطات انسانی: مبانی. تهران: نشر رسا. (چاپ هشتم).
- فیاض، ا. و کیانی، ژ. (۱۳۸۷). بررسی آسیب شناسانه باورهای غیر منطقی دانشجویان. راهبرد فرهنگ، ۴.
- گلدنبرگ، ا. گلدنبرگ، ه. (۱۳۹۵). خانواده درمانی. (ح. حسین شاهی برواتی و س. نقشبندی و ا. ارجمند). تهران: چاپ شاهین.
- گلرسر، و. گلرسر، ک. (۱۳۹۵). ازدواج بدون شکست. (ع. صاحبی). تهران: انتشارات سایه سخن، چاپ هفتم.
- گیدنز، آ و بردسال، ک. (۱۳۹۶). جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، لاله خاکپور (ویراستار) تهران: نشر نی
- مختار عارفی، م. محمدی، پ. (۱۳۹۴). رابطه خود ارزشمندی و سبکهای ارتباطی با سازگاری زناشویی در زنان. مجله روانشناسی و روان پزشکی ساخت، دوم، ۴. ۲۲-۱۱.
- مک لین، ایان. (۱۳۸۷). فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ترجمه حمید احمدی، تهران: نشر میزان

ناصری، ع. ریسی، ف. جعفری، م. رحمانی، م. (۱۳۸۰). میزان سازگاری زناشویی در دانشجویان ساکن خوابگاه. اندیشه و رفتار. دهم، ۱، ۱۱۶-۱۲۱.

ناصری، ع. ریسی، ف. جعفری، م. رحمانی، م. (۱۳۸۹). میزان سازگاری زناشویی در دانشجویان ساکن خوابگاه. اندیشه و رفتار. دهم، ۱، ۱۱۶-۱۲۱.

نیکو صحبت، ف. (۱۳۹۴). ویژگیهای روانسنجی پرسشنامه مخرت های ارتباطی و رابطه آن با سازگاری اجتماعی در جامعه ی بزرگسالان شهر قم ، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

Abercombie, N & Stephen H (2000) The Penguin Dictionary of sociology , penguin books, fourth edition

Addis J, Bemard ME. (2002). Marital adjustment and irrational beliefs. Journal of rational Emotive and cognitive behavioral therapy, 20, 3-13.

Markman, A. (2015) Patterns of Value Change During the Life Span Some Evidence From a Functional Approach to Values, Personality and Social Psychology Bulletin First Published July 17, 2015

stackert R, Bursik K. (2003) Why am I unsatisfied? attachment still, gendered irrational relationship beliefs, and young adult romantic relationship satisfaction. Personality and Individual differences, 34, 1419-1429.

Comparison of Irrational Beliefs, Communication Skills and Marital Adjustment in Three Generations of Tehrani Women

Sogol Giti¹, Marjan Jafari Roshan*

Abstract

Purpose: The purpose of this study was to compare irrational beliefs, communication skills and marital adjustment in three generations of Tehrani women.

Method: The statistical population of the present study consisted of married women aged 21 to 65 in Tehran in three generations of 21-35 years old, 36-50 years old and 51-65 years old and in a sample of 91 people who were selected by available sampling method, Done. Accomplished. For collecting information, three standard questionnaires of Jones's irrational beliefs (1986), communication skills (2004), and spinier marital adjustment (1978) were used with appropriate validity and validity. After collecting the questionnaires, the data were analyzed using SPSS software at the descriptive level of abundance indexes, central tendency indicators, dispersion indices and graphs, and at the inferential level, one-way analysis of variance analysis and Tukey post hoc test and multivariate regression analysis.

Results: The results showed that among the components of irrational beliefs, the component of emotional irresponsibility, the group of women aged 65-51 (third generation) scored a higher score compared to women aged 35-21 (first generation). In the communication skills, the cold management component of the exciting interactions of the 51-55-year-old women group had less scores compared to women aged 35-29. In marital adjustment, the overall consistency scores of the third generation were lower than those of the other two generations and the second-generation grade was also higher than that of the first generation.

Conclusion: With increasing life span, irrational beliefs have increased and communication skills have been reduced and marital adjustment has decreased.

Keywords: Irrational beliefs, marital adjustment, communication skills

¹ Graduate of Master of Psychology, Personality of Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

² Associate professor of Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. jafary.marjan@gmail.com